

تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی

مایکل ج. مارتین

ترجمه مهدی حقیقت خواه



فهرست

- ۶..... رویدادهای مهم در تاریخ تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی
- ۹..... پیشگفتار: پیروزی روح انسانی
- ۱۳..... ۱. ریشه‌های تبعیض نژادی
- ۲۷..... ۲. نقشه‌ای «اهریمنی»
- ۴۱..... ۳. مقاومت و سرکوب
- ۵۱..... ۴. تبعیض نژادی بزرگ
- ۶۳..... ۵. بیداری سیاهان و قیام سووتو
- ۷۵..... ۶. نبرد با «تمساح بزرگ»
- ۸۷..... ۷. پایان تبعیض نژادی
- ۱۰۱..... پسگفتار: حقیقت و آشتی
- ۱۰۵..... یادداشت‌ها
- ۱۰۹..... برای اطلاع بیشتر
- ۱۱۱..... نمایه

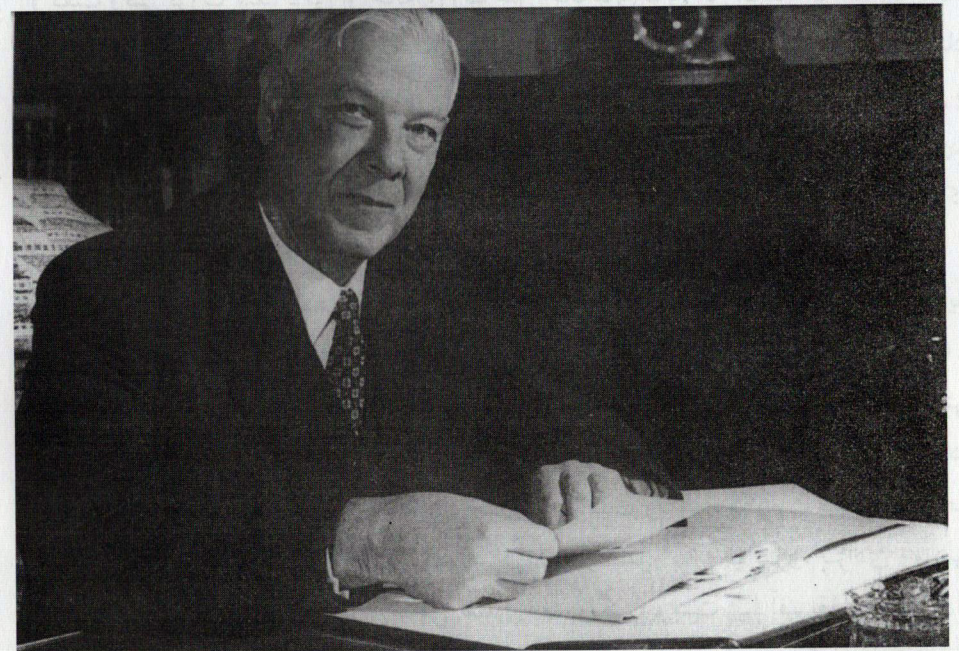
پیروزی روح انسانی

در ۱۹۶۶ پسر بچه پنج ساله‌ای که نزدیک ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی زندگی می‌کرد ورق پاره‌های مجله‌ای را پیدا کرد که باد به نرده‌ای چسبانده بود. مارک ماتابان کوچک‌تر از آن بود که واژه آپارتاید (تبعیض نژادی) را درک کند، اما واقعتاً دهشتناک معنای آن به زودی بر او آشکار می‌شد. عکس‌های مجله خانه‌های زیبایی را نشان می‌دادند که به سفیدپوستان تعلق داشتند - خانه‌هایی بسیار زیباتر از آنچه او در گتویی [محلۀ سیاهان] که در آن زندگی می‌کرد تا به حال دیده بود. ماتابان عکس‌ها را به خانه برد و آن‌ها را به مادرش نشان داد و به او گفت وقتی بزرگ شد، برای او خانه‌ای زیبا مثل خانه‌های توی این مجله خواهد ساخت. مادرش پرسید چه باعث شده که فکر کند می‌تواند چنین کاری بکند. پسر بچه با اطمینان به مادرش گفت: «پول زیادی درمی‌آورم، آن وقت راحت می‌توانم این کار بکنم.» مادرش با مهربانی گفت: «فرزندم، اگر تمام پول دنیا را هم داشته باشی، نمی‌توانی آن خانه را بسازی.» وقتی ماتابان از مادرش دلیلش را پرسید، پاسخ مادرش او را به وحشت انداخت: «چون که خانه داشتن سیاهان برخلاف قانون است.»^۱

به مدت بیش از چهار دهه سیاست جداسازی و تبعیض کامل نژادی موسوم به آپارتاید - واژه‌ای آفریکانس [شاخه‌ای از زبان هلندی رایج در آفریقای جنوبی] به معنای «جدایی» - رؤیاهای غیرسفیدپوستان آفریقای جنوبی نظر مارک ماتابان را بر باد می‌داد. نژادپرستی (راسیسم) در همه فرهنگ‌ها در همه زمان‌ها وجود داشته است، اما تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی در قرن بیستم بی‌همتا بود چون به سیاست رسمی حکومت تبدیل و به اجرا گذاشته شده بود. از سال ۱۹۴۸ به بعد، هر فردی در کشور به یک گروه نژادی رسمی منتسب می‌شد - سفید، آسیایی (شامل هندی‌ها)، رنگین‌پوست، یا آفریقایی. حقوق و آزادی‌های مدنی فرد برای کار، اقامت، و مسافرت به گروه نژادی او بستگی داشت. طی زمان، رفته رفته قوانین بیش‌تری به تصویب رسید تا جدایی اعضای نژادهای گوناگون

تضمین شود؛ و بدین ترتیب حقوق همه بجز اروپاییان به شدت محدود شد و این سیاست نابرابری را به قانون کشور تبدیل ساخت. کسانی که در درستی این قانون شک می‌کردند یا برضد آن دست به کار می‌شدند با خطر زندان و حتی مرگ مواجه می‌گشتند.

هدف آپارتاید از ابتدا روشن بود. هندریک ورورد، که در ۱۹۵۸ به نخست‌وزیری انتخاب شد، نیروی پیش‌برنده این سیاست را اعلام داشت - محدود کردن حقوق سیاهپوستان، که اکثریت وسیع جمعیت آفریقای جنوبی را تشکیل می‌دادند، به منظور تضمین تسلط اقلیت کوچک سفیدپوست بر کشور. او می‌گفت: «شعار ما حفظ برتری سفیدپوستان برای همیشه بر مردم و کشورمان، در صورت لزوم به زور، است.»^۲ ورورد به حرفش عمل کرد و در طول زمامداری‌اش کاربرد زور را تصویب کرد - چنان که همه دولت‌های سفیدپوست آفریقای جنوبی پس از او نیز چنین کردند. نیروی پلیس و ارتش آفریقای جنوبی به مدت بیش از چهل سال مقاومت در برابر قوانین بی‌رحمانه آپارتاید را در هم شکست. هزاران نفر کشته و ده‌ها هزار نفر زندانی یا شکنجه شدند.



هندریک ورورد، در مقام نخست‌وزیر آفریقای جنوبی در دهه ۱۹۶۰، عهد کرد که برتری سفیدپوستان را، در صورت لزوم به زور، حفظ کند.

اما شاید بدترین تأثیر آپارتاید این بود که امید را در دل میلیون‌ها آفریقایی غیرسفید نظیر مارک ماتابان فرو کشت. او وقتی بزرگ شد مقالاتی متقاعدکننده در باره ناعادلانه بودن این سیاست نوشت. هر چند سفیدپوستان اروپایی تبار حدود بیست درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند، این اقلیت سفید در نظام تبعیض نژادی حدود ۸۷ درصد اراضی آفریقای جنوبی و اداره همه شهرهای بزرگ، بندرها، مناطق صنعتی، معادن، و بهترین زمین‌های کشاورزی را در اختیار داشتند. از سوی دیگر، آفریقاییان بومی نمی‌توانستند خارج از مناطق تعیین شده و فقرزده صاحب زمین یا دارایی باشند. آموزش آن‌ها اندک بود. نمی‌توانستند رأی بدهند و فاقد صلاحیت برای مشاغل پُردرآمد بودند، و حق ازدواج خارج از گروه نژادی خود را نداشتند.

فقر و شرایط ظالمانه‌ای که بر سیاهان تحمیل می‌شد سبب انزجار و خشمی شد که اشکال گوناگونی پیدا کرد، از جمله جنبش ضد تبعیض نژادی که به خشونت کشیده شد. مبارزه برای پایان دادن به آپارتاید مبارزه‌ای شدید و خونین بود. طرفداران تبعیض نژادی طی دهه‌ها در برابر اصلاحات مقاومت کردند. اما در زمانی که معلوم شد آفریقای جنوبی درگیر جنگ داخلی تمام‌عیار خواهد شد، رهبران آفریقای جنوبی برای انجام تغییرات سیاسی دموکراتیک به مذاکره روی آوردند و بساط آپارتاید در ۱۹۹۴ با سرعتی شگفت‌انگیز برجیده شد. اسقف دزموند توتو، یکی از معماران این تغییر وضعیت به ظاهر معجزه‌آسا، توضیح داد که چرا به عقیده او این دستاورد نمایانگر یکی از پیروزی‌های بزرگ روح انسانی است: «ممکن است خیلی‌ها به این رخداد از این زاویه بنگرند و بگویند مبارزه مسلحانه خطرناک‌ترین چیزی است که دیکتاتورها و مستبدان باید از آن بترسند. اما در واقع چنین نیست - ترس آن‌ها از زمانی است که مردم اراده کنند و بخواهند که آزاد باشند. وقتی آن‌ها عزم خود را جزم کردند، دیگر هیچ چیز نمی‌تواند آن‌ها را باز دارد.»^۳

عوامل مهم و متعددی در پایان دادن به آپارتاید نقش داشتند. سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر که نسبت به مردم ستم‌دیده آفریقای جنوبی همدردی نشان می‌دادند به کارزار تبلیغاتی وسیعی دست زدند تا آگاهی عمومی را نسبت به بی‌عدالتی‌های نظام تبعیض نژادی افزایش دهند. و تحریم‌های اقتصادی و فشارهای دیپلماتیک دولت‌ها در سرتاسر جهان روشن ساخت که ادامه آپارتاید هزینه‌های کمرشکنی برای اقتصاد آفریقای جنوبی به همراه خواهد داشت و آفریقای جنوبی را به کشوری مطرود در میان ملل جهان تبدیل خواهد کرد.